

تاریخ تعلیمات جامعه‌شناسی دیوان سالاری در ایران

نویسنده: دکتر علی اکبر رفیعی

عنوان: تاریخ تحلیلی
جامعه‌شناسی دیوان سالاری در ایران

نویسنده: دکتر علی اکبر فرهنگی
ویراستار: معصومه عدالت‌پور
نمونه خوان: محدثه سادات موسوی

بیرهنری: حسین کریم‌زاده

شابک: ۰-۶-۷-۹۶-۶۲۲-۹۷۸

نوبت چاپ: اول-۱۳۹۹

قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

تمام حقوق چاپ و نشر، محفوظ است. نشر صاد است.

نشانی: تهران - بلوار کشاورز - خیابان مسلمان
خیابان حجت دوست - پلاک ۴۷ - طبقه اول شمال
شماره تماس: ۸۶۰۵۲۹۹۶-۲۱
شماره پیامک: ۳۱۳۲۰۳۰۳۰۰۰

سرشناسه: فرهنگی، علی اکبر، ۱۳۲۱ -

عنوان و نام پدیدآور:

تاریخ تحلیلی جامعه‌شناسی دیوان سالاری در ایران
نویسنده: علی اکبر فرهنگی؛ ویراستار: معصومه عدالت‌پور.

مشخصات نشر: تهران، یارمند، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۳۶۵ ص، ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۰-۶-۷-۹۶-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه، ص. [۳۵۷] - ۳۶۵.

موضوع: بوروکراسی -- ایران

موضوع: Iran -- Bureaucracy

موضوع: بوروکراسی -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی

موضوع: Iran -- Social aspects -- Bureaucracy

رده‌بندی کنگره: JF1۵۰۱

رده‌بندی دیویی: ۳۰۲/۳۵۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۶۲۰۷۷۳۶

فهرست

۹	مقدمه
۱۵	بخش اول: ماهیت جامعه
۲۱	جامعه و تاریخ
۲۸	ایران در دوره پرومتئوس
۳۰	زرتشت و ایران
۳۱	فلسفه ایران باستان
۴۱	فصل اول: تمدن‌های بزرگ باستانی؛ عصر کشاورزی - دامداری
۴۹	ویژگی‌های جامعه کشاورزی - دامداری
۴۹	یک جانشینی
۵۳	جمعیت
۵۹	آثار مستقیم یا درجه اول زراعت پیشگی
۶۵	فصل دوم: جامعه صنعتی (مدرنیسم)
۶۸	علل انقلاب صنعتی
۷۳	پیشرفت‌های حمل و نقل دریایی و کشف دنیای جدید
۷۵	ماشین چاپ و انتشار اطلاعات
۷۹	فصل سوم: نظام صنعتی و نهادهای اجتماعی
۸۲	تفکیک اجتماعی و پیچیدگی اجتماعی
۸۹	ورود به دوران انقلاب صنعتی
۹۷	فلسفه تاریخ دوران وابسته به انقلاب صنعتی
۱۰۱	فصل چهارم: ویژگی‌های جامعه صنعتی

۱۰۶	۱. شالوده‌های اطلاعاتی به‌عنوان تکنولوژی و جهان‌بینی
۱۰۶	۲. فناوری (تکنولوژی)
۱۰۶	۳. جمعیت زیاد
۱۰۶	۴. فرد به‌عنوان واحد اساسی کار و عدم اهمیت نسبی روابط خویشاوندی و روابط قومی و قبیله‌ای
۱۰۷	۵. شهرها و دادوستد
۱۰۷	۶. دگرگونی چشمگیر در ساختار خانواده
۱۰۸	۷. تخصصی‌شدن کارها و در پی آن قشربندی اجتماعی و تحرک اجتماعی بیشتر
۱۰۹	۸. نهاد حکومت و سیاست به‌سمت مردم‌سالاری گرایش پیدا می‌کند
۱۰۹	۹. مالکیت زمین و جنگ
۱۱۰	۱۰. بهبود تغذیه و بهداشت، افزایش طول عمر و کاهش نرخ مرگ‌ومیر
۱۱۱	۱۱. افزایش مهاجرت به‌سوی جوامع صنعتی
۱۱۲	۱۲. ازمه‌پاشیدن ارزش‌های سنتی
۱۱۲	فصل پنجم: فروریختن قواعد حاکم و پدید آمدن قواعد نو
۱۱۵	همسازی (بنداردکردن)
۱۱۶	تخصص کردن بارها
۱۱۸	هم‌زمان‌سازی
۱۲۰	متراکم‌سازی
۱۲۲	فزون‌سازی حداکثری
۱۲۴	متمرکز کردن
۱۲۷	بخش دوم: جامعه ایرانی
۱۳۵	فصل ششم: محیط‌زیست ایرانی
۱۴۱	فصل هفتم: محیط‌زیست اجتماعی - انسانی ایرانی
۱۵۱	فصل هشتم: ایران در دوره مادی
۱۵۹	فصل نهم: ایران در دوره پارسی‌ها (هخامنشی)
۱۶۷	فصل دهم: سازمان سیاسی و تشکیلات اداری حکومت اشکانی
۱۹۳	فصل یازدهم: بررسی سازوکارهای اجتماعی و نظام دیوان‌سالاری در عصر ساسانیان
۱۹۹	نظام اجتماعی و سیاسی عصر ساسانی
۲۰۶	تشکیلات حکومتی و دیوان‌سالاری ساسانی
۲۱۲	شهرتاران
۲۱۷	ویسپوهران = واسپوهران
۲۱۸	وزرگان = بزرگان
۲۱۹	آزادان = آزادان
۲۱۹	تشکیلات وزرگ‌فرمدار (وزیر اعظم)
۲۲۱	تشکیلات دیوان‌سالاری ساسانی
۲۲۳	تمرکزگرایی و اداره ابالات در دوره ساسانی
۲۲۶	طبقات بسته اجتماعی
۲۳۵	فصل دوازدهم: اسلام در ایران
۲۵۵	اسلام در واپسین روزهای دولت ساسانی
۲۶۰	اسلام در مهد: رهبری حضرت محمد(ص)
۲۶۸	جنگ بدر
۲۷۵	جنگ احد
۲۷۷	

۲۷۹	جنگ خندق	
۲۸۷	نظام حکومت و امارت در عصر پیامبر(ص)	
۲۹۱	دیوان سالاری عرب‌ها در زمان جاهلیت	
۲۹۹	حکومت اسلامی در زمان خلفای راشدین	
۳۱۷	دیوان سالاری رابع در زمان خلافت	
۳۱۷	عمر بن خطاب دومین خلیفه مسلمانان	
۳۲۳	نظر مورخان در باب عطایا و فتوح در زمان خلافت عمر	
۳۲۵	حکام و کارگزاران حکومتی در دوره عمر	
۳۲۶	مالیه در زمان خلافت عمر	
۳۳۲	موافی	
۳۳۴	مدیریت اموال عاملان حکومتی	
۳۳۵	به داوری نشستن یا نظر در مظالم (دادرسی)	
۳۳۷	خلافت عثمان بن عفان	
۳۴۴	دیوان سالاری و مدیریت امور عمومی در عصر عثمان بن عفان	
۳۴۹	دیوان سالاری در خلافت علی بن ابی طالب (ع)	
۳۵۴	اعزام کارگزاران حکومتی به سرزمین‌های اسلامی	
۳۵۵	انتخاب کوفه به عنوان مرکز خلافت توسط علی (ع)	
۳۵۶	رفتار علی (ع) با چندوران شکست خوردگان	
۳۵۶	روش علی (ع) در اداره امور مالی خلافت	
۳۵۷	میزان خراج اراضی و روش ارضای در زمان علی (ع)	
۳۶۱	بیت المال و تقسیم آن در زمان علی (ع)	
۳۶۲	غنایم	
۳۶۳	فیء	
۳۶۳	جزیه	
۳۶۴	خراج	
۳۶۵	تقسیم بیت المال	
۳۶۷	نظارت بر کارگزاران حکومتی	
۳۷۱	منابع	
۳۷۹	نمایه	

مقدمه

دیوان سالاری از نهادهای اجتماعی است که انسان دیگر نهادهای هم بر آن‌ها تأثیر گذارده و هم از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. اگر نگوییم که یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است؛ بی‌شک نمی‌توانیم بگوییم که در میان نهادهای اجتماعی کم‌انرژی‌ترین نهاد است. نهادی است که دیگر نهادهای به شدت از آن تأثیر می‌پذیرد و در ساختار خود، دگرگونی‌های شگرفی را پدید آورده‌اند. با شکل‌گیری هر جامعه و دولتی، دیوان سالاری آن نیز پدید آمده است و این دیوان سالاری تا اعماق زندگی مردم آن رسوخ کرده و حتی تا قرن‌های بعد، زندگی اجتماعی بازماندگان آن را تحت تأثیر خود داشته است. دولت‌ها می‌آمدند و می‌رفتند؛ اما دیوان‌ها یا نظام اداری آن‌ها به نحوی متوالی به قوت خود باقی و برقرار بوده و به کار خویش می‌پرداخته‌اند.

کلمه دیوان از واژه «دوان» dewan برگرفته شده است که خود به نوشته مرحوم علی‌اکبر دهخدا، هم‌ریشه «دبیر» یا نویسنده است. به قول آندراس مرتبط به کلمه آسوری dap و کلمه dipi پارسی باستان است که آن نیز از واژه duppu اکدی و dub سومری به معنی لوحه یا خط مأخوذ است. باید در نظر داشت که دیوان کلمه‌ای پهلوی و به معنی اداره به کار می‌رفته است. آن‌طور که آرتور کریستین سن آورده است، کلمه دیوان پهلوی بوده و به معنی اداره در نوشته‌ها و گفته‌ها آمده است. در آن ادارات نظم و ترتیبی کامل حکم فرما بود و تعداد دیوان‌ها در دوره‌های

مختلف متفاوت بوده و با توجه به شرایط حاکم بر جامعه تغییر می‌یافته است. آن‌طور که در نوشته‌ها آمده است، پادشاه چند مهر مختلف داشته است؛ یکی برای دبیرخانه سزی، دیگر برای دبیرخانه سلطنتی، دیگر برای محکمه جنایی، دیگر مخصوص توزیع نشان و اعطای منصب و دیگر متعلق به امور مالیه و دخل و خرج کشور. در نوشته‌های بلاذری نکاتی راجع به طرز کار دیوان‌ها، خاصه در بخش مالی مسطور است. مثلاً مبلغ پول وصول شده را با صدای بلند در حضور شاه می‌خواندند. استریوشان سالار که همان رئیس دیوان مالیات‌ها بود همه‌ساله صورتی از عایدات، مالیات‌های مختلف و وضع خزانه به حضور شاه عرض می‌نمود و پادشاه آن را مهر می‌کرد. خسرو دوم یا خسرو پرویز که از بوی اوراق پوستی نفرت داشت، امر فرمود صورت حساب‌ها را که آن زمان از زمین می‌آمد به زعفران و گلاب آغشته کنند و بنویسند.

مورخین ذکر کرده‌اند که وقتی پادشاه فرمانی صادر می‌کرد، دبیر سلطنتی امر مزبور را در حضور شاه انشاء می‌کرد و بعد برای بازرسی دبیر دیگری آن را در دفتر روزانه خود ثبت می‌کرد. او این دفتر روزانه را همراه باریمن (تجربیده) می‌برد و سپس آن را به مهر شاه مزین کرده، به گنجور یا خزانه‌دار می‌سپرد. اصل فرمان را به مهر شاه می‌سپرد و آن را مهر کرده، نزد کسی می‌فرستاد که مأمور اجرای آن حکم بود. این شخص فرمان را به طرز مطلوب و معمول منشیان ایران درمی‌آورد و اصل آن را در نزد دبیر می‌فرستاد و دبیر آن را به شاه تقدیم می‌نمود و سپس با دفتر روزانه خود مطابقت می‌داد. اگر مضمون هردو یکی بود، آن را به حضور شاه یا محترم‌ترین ندیمان شاه مهر می‌کرد و برای اجرا می‌فرستاد.

عرب‌ها پس از فتح ایران، دیوان را از ایرانیان گرفتند و آن را به عنوان فهرست مداخل و مخارج استفاده می‌کردند. نخستین کسی که در اسلام دیوان را تأسیس کرد؛ عمر بود که رسم ثبت و ضبط دیوان را در دیوان الجند به تقلید از پادشاهان ایران و ظاهر آنکه دید هر زمان برقرار نموده بود. مقارن عهد عمر و مدت‌ها بعد از وی نیز دیوان در بلاد ایران به زبان پهلوی و در بلاد شام به زبان یونانی و در مصر به زبان قبطی و یونانی و به هر حال در دست غیر مسلمانان بوده؛ بعدها با توسعه فتوحات، هم دیوان جند در شهرهای اسلامی مثل کوفه و بصره پدید آمد و هم دیوان خراج چنان‌که نزد پادشاهان ساسانی و نیز قیصرهای روم رایج بوده در عهد معاویه ابن ابی سفیان، بعضی از دیوان‌های دیگر نیز به وجود آمدند. در عهد عبدالملک بن مروان، خلیفه اموی، دیوان عراق به وسیله صالح بن عبدالرحمان شاگرد زاذان فرخ بن پیروز، به عربی درآمد است. در عهد عباسیان دیوان رسائل یا انشاء اهمیت یافته و دیوان‌های متعددی به وجود آمد. در عهد سامانیان تشکیلات دیوان تحت نظر وزیر و خواجه بزرگ و شامل دیوان رسائل یا دیوان انشاء، دیوان استیفاء، دیوان اشرافه، دیوان قضا بود و این تأسیسات بوروکراتیک را ابو عبدالله جیهانی از

روی تأسیسات مشابه سایر ممالک درست کرده بود. بعد از سامانیان نیز نزد پادشاهان غزنوی و سلجوقیان و خوارزمشاهیان هم کم و بیش ادامه یافت. آداب و رسوم و قواعد و مقررات دیوان‌ها تا عهد مغولان بیش و کم محفوظ ماند.

غازان خان اصلاحاتی در دیوان‌ها به وجود آورد و آن‌ها را با شرایط جدید حکومت سروسامانی بخشید. در دوره صفویه تغییر مهمی در دیوان‌ها و به‌ویژه دیوان قضا پدید آمد. قبل از صفویه به‌ویژه در دوره سلجوقی، محاکم شرعی در چارچوب دستگاه حکومت جای داشتند و از طریق دولتمردان اداره می‌شدند؛ ولی در دوران صفوی این محاکم به علما واگذار شد. شاردن می‌نویسد که حدیثین است که از نفوذ قضا به تدریج کاسته شده است. به نظر مینورسکی کاستن اختیارات قاضی را با ایجاد مقاماتی نظیر صدر و شیخ الاسلام از قوه به فعل درآوردند. از این گذشته، دیوان بیگ، بر همه محاکم شرعی نظارت داشت و به عنوان قوه مجریه محاکم شرعی عمل می‌کرد. آن‌ها مشاهده می‌شود تاریخ تطوّر دیوان‌ها در اعصار مختلف بیانگر زندگی مبتنی بر دیوان سالاری است. حال با در نظر داشتن این دگرگونی‌ها می‌توان به رسوخ دیوان سالاری در زندگی مردم و نظام اداری، برناسته از آن تأکید کرد.

باتوجه به اعصار تمدنی بشر، می‌توان تاریخ را به عصر پیش از انقلاب کشاورزی و دامداری و پس از آن عصر کشاورزی و دامداری، نگاه به عصر صنعتی و به عصر فراصنعتی یا عصر تکنوترونیک نام‌گذاری کرد. هریک از این اعصار که ناه برده شدند، از نظر دیوان سالاری با یکدیگر تفاوت دارند؛ هرچند که در پوستاری مرتبط به اندک، تکرار دارند. در هریک از این اعصار تحولات چشمگیری در عرصه‌های فناوری در وهله نخست، مشاهده که آن خود موجب تحولات نهادهای اجتماعی گشته و سپس تحولات فکری و فرهنگی در آن عصر پدید آمده است. در نظر آورید که در عصر حجر چه گذشته است. فناوری که حاصل دست‌آورد بشر بوده، عموماً با به‌کار گرفتن این عنصر کارساز پدید آمد. بشر ابزار ساز به مدد دستان چابک و هنر دست خود، ابتدا از اشیاء سختی چون سنگ و استخوان حیوانات و چوب، اشیاء و ابزارهای مورد نیاز را پدید آورد. این کار برای او فعالیتی اجتماعی را شکل داد و به تدریج عناصر محیط جغرافیایی را رام خویش کرد. بر روی زمین کار را آغازید و مزرعه‌ها را پدید آورد و به انباشت آذوقه برای خود و علیق برای حیواناتی که رام او شده بودند، اقدام کرد و وارد عصر کشاورزی و دامداری گردید و از اینجا بود که شکل دهی نهادهای اجتماعی چون خانواده، اقتصاد، حکومت، آموزش پرورش، فرهنگ برایش اهمیت یافت. برای بهره‌مندی از هریک از این نهادها نظم و نسقی درخور، شایسته می‌نمود و از اینجا بود که دیوان سالاری‌ها پدید آمدند و تا امروز ادامه دارند.

سرگذشت زیبا و پرفراز و نشیب از سال‌های نوجوانی و جوانی نگارنده را مسحور خود کرده بود

و استادانی بزرگ در کسوت آموزگار و دبیر و استاد دانشگاه به این تنور اشتیاق، هیمة‌ها ریخته و این آتش را فروزان‌تر می‌کردند. هر روز که می‌گذشت این آتش فروزان‌تر، پرفروغ‌تر شده و تمام وجود آن نوجوان و جوان پا به سن گذاشته را فرا می‌گرفت و او را به تکاپوی بیشتری می‌کشانید. هر چند در رشته‌های علوم و فنون تحصیلات رسمی خود را به پیش می‌برد؛ اما این اشتیاق درونی به سرگذشت بشر در او بارورتر می‌شد و آزمندانه به خواندن تاریخ و به‌ویژه آن بخش از آن، که با سرزمین مادری او - ایران عزیز و مظلوم - در پیوند بود؛ می‌پرداخت. با سفر به دیاران دیگر و آشیانی، با زبان‌ها و مردمان دیگر نه تنها این آتش اشتیاق فروکش نکرد، تیزتر و به سامان یافته‌تر جلوه‌گ‌مند. کتاب‌های زیادی خوانده شد و یادداشت‌ها و فیش‌های زیادی فراهم گردید، دانشمندانه. بد که تاریخ علم است و چون علم است لزوماً کمال می‌یابد و راه و روش خاص خود را دارد و آن‌ها را باید به‌کار گرفت. اما تلاش معاش و غم‌ناک و نام‌همچنان بود و بخش قابل ملاحظه‌ای از زندگی را در اشغال خود درآورده بود. تا نوروز سال ۱۳۹۱ که مجالی دست داد، در جابه‌جایی خانه و بدین‌آورد، یادداشت‌ها و فیش‌های برداشته‌شده که کارتنی بزرگ و محکم را پر کرده و سرریز شده بود و مری که قریب هفتاد سال آن سپری شده بود. هراسی پُر دامنه و وسیع سراپای وجود را فرارفت. به با این یادداشت‌ها چه خواهی کرد و برای چه زمانی آن‌ها را گرد آورده‌ای؟

فیش‌ها مرتب شدند. طرحی ریخته شده حاصل آن ۶ مجلد تحت عنوان تحلیل تاریخی جامعه‌شناسی دیوان‌سالاری در ایران می‌باشد. کاره‌ی جانبی را به کناری نهاده و سرگرم تدوین و تنظیم جلد اول آن شدم. به زودی دریافت‌م که کارهای زیادی نیست. چون در جوانی آموخته بودم این سخنی است که استادام مرحوم دکتر خسرو فرش‌پرده در دوران جوانی‌ام از بییهقی به کرات برایم نقل کرده بود: «هرکجا نکته‌ای بود در آن آویختمی» نکته‌ها بسیار بوده و هستند و من در آن‌ها حیران. اما از بییهقی آموخته بودم که: «تاریخ به راه راست برو که روا نیست در تاریخ تخسیر و تحریف و تفتیر و تبذیر کردن». قلم در دست گرفته و یادداشت‌ها را که در نکته در کنار هم قرار دادم، جلد اول که اینک در دستان شماست آماده شد؛ در سال ۱۳۹۶. می‌دانم خداوند قادر مطلق به این بنده آن عمر و توان را خواهد داد که بقیه مجلدات را به همین سبک و سپاکی که مشاهده می‌کنید به انجام رساند یا نه؟ آنچه که مسلم است، مکلف به تلاشیم تا چه پیش آید.

پس از فراهم شدن این نسخه - با تمام فراز و فرودهای آن - دریافت‌م که چاپ این قبیل کتاب‌ها خود مقوله‌ای درخور تعمق است. کمتر ناشی رغبت به چاپ چنین نوشته‌هایی دارد. با این گرانی کاغذ و چاپ و با این دقت کم خوانندگان که این روزها محو پیام‌های رقومی (دیجیتال) و سهل‌الوصول و طرب‌انگیزند؛ جایی برای کارهای جدی و وقت‌گیر نمی‌ماند، الا برای آنان که

چون نویسنده شوق تاریخ و تطوّر زندگی بشری دارند و درصد آن‌ها بسیار اندک است. در این وانفسا دوست گران قدر و فرهیخته‌ام آقای دکتر قاسم صفایی‌نژاد، کمر همت بسته تقبل چاپ و نشر آن را به عهده گرفتند که سپاسگزار الطاف ایشان و دانش پروری ایشان هستم.

دوست دیگر جوانم آقای دکتر حمیدرضا کرکه‌آبادی که زحمت چندین بار خواندن و تایپ و آماده کردن آن و نیز مقابله منابع را که خود کار پردردسر و سنگینی بوده است؛ به عهده داشتند که خود را مدیون الطاف ایشان نیز می‌دانم. ایشان خود مدرسی توانا هستند و آینده‌ای درخشان در این زمینه دارند.

امیدوارم بتوانم در تمام کردن مجلدات بعدی نیز توفیق یابم.

علی اکبر فرهنگی
تهران، تیرماه ۱۳۹۹